مرکز ملی فضای مجازی
پژوهشگاه فضای مجازی

تاریخ خبر: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ زمان خبر: ۰۷:۵۹
تعداد بازدید: ۱۱

فناوری بزرگ در مقابل فناوری قرمز: کاهش دموکراسی در عصر دیجیتال (بخش نخست)

در دهه سوم قرن بیست و یکم، دموکراسی با دشمن جدیدی روبرو است؛ فناوری. زمانی فناوری به‌عنوان نیرویی برای خِیر تلقی می‌شد که می‌توانست شکاف بین دولت و جامعه را پر کند. امروزه که فناوری تحت مالکیت و کنترل شرکت‌های بزرگ و دولت‌های فرا سرزمینی است، گاهی اوقات پایه‌های دموکراسی را که به‌عنوان یک حوزه عمومی و تبادل اطلاعات عمل می‌کند، تضعیف می‌کند.

به طرز تأسف‌باری بخش اعظم جهان هنوز در مورد جاه‌طلبی‌های فناوری‌های بزرگ، گسترش آن و قدرت غیرقابل اتکای آن برای شکل دادن به شرایط انسانی آگاه نشده‌اند. چند شرکت که در ساحل غربی آمریکا قرار دارند (در ادامه به‌عنوان فناوری‌های بزرگ شناخته می‌شوند)، اکنون توانایی مهار تب طلای دیجیتال و تأثیر بر گفتمان عمومی در جوامع دموکراتیک را دارند. به‌موازات آن، چین در حال رشد، با موفقیت‌های سریع خود در ایجاد یک اکوسیستم فناوری چالاک، برنامه‌هایی را برای تسلط بر نوآوری، فناوری پیشرفته و اکوسیستم ادراکات جهانی (در ادامه به‌عنوان فناوری قرمز نامیده می‌شود) راه‌اندازی کرده است.

فناوری مستقر در سواحل غربی ایالات‌متحده و فناوری که به دنبال خدمت به حزب کمونیست چین است، هر دو اهداف تعریف‌شده خود را با تأمل اندکی در مورد سیستم‌ها و قوانین اساسی در کشورهای ثالث دنبال کرده‌اند. به‌این‌ترتیب، بسیاری از جوامع دموکراتیک در معرض خطر گرفتار شدن در چنگال معیوب فناوری بزرگ و فناوری قرمز قرار دارند؛ بنابراین، زمان آن فرارسیده است که جوامع دموکراتیک ابزارهایی را کشف و بررسی کنند تا یک اکوسیستم فناوری باز و آزاد جهانی را که در خدمت همه طیف‌های دموکراسی باشد، تضمین کنند.

چرا نبرد برای فناوری مهم است؟

تهدیدی که فناوری‌های بزرگ برای دموکراسی ایجاد می‌کند، چندوجهی است. نخست، پلتفرم‌های اصلی رسانه‌های اجتماعی (توییتر، فیس‌بوک، گوگل و دیگران) اطلاعات دریافت شده از شهروندان در جوامع دموکراتیک و در واقع حتی نظرات آن‌ها را مدیریت، ترویج و محدود می‌کنند. این قدرت و تسلط بر گفتار و بیان و درنتیجه بر سیاست، در تاریخ بی‌رقیب و بی‌سابقه است. درحالی‌که فولاد ایالات‌متحده، صنعت نفت و تنباکو به خاطر مقررات داخلی به‌زانو درآمده است، دسترسی فراملی به فناوری‌های بزرگ، محدود کردن آن را بسیار سخت‌تر کرده است.

پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی با اجرای قوانین و مقررات خارج از قوانین اساسی حاکمیتی، نفوذ نگران‌کننده‌ای را بدون پاسخگویی اعمال می‌کنند. فناوری‌های بزرگ چهره‌های سیاسی بحث‌برانگیز مانند دونالد ترامپ را تغییر داده‌اند، محتوا را سانسور کرده‌اند و سیستم رتبه‌بندی محتوای مبتنی بر تعامل را که همه‌چیز از اطلاعات نادرست در مورد بیماری کرونا ویروس گرفته تا سخنان نفرت برانگیز را تشویق و ترویج کرده‌اند. پلتفرم‌ها آزادند که تصمیم بگیرند که به‌عنوان میزبان خصوصی عمل کنند یا ارائه‌دهنده یک ابزار عمومی حیاتی باشند. آن‌ها نمی‌توانند هر دو گزینه باشند. بااین‌حال، آن‌ها هر طور که مناسبشان باشد، موقعیتی بین این دو عملکرد را برای خود انتخاب می‌کنند. دولت‌های ملی آگاه نیستند. از دهلی‌نو تا کانبرا، دولت‌ها مقرراتی را برای مهار غول‌های رسانه‌های اجتماعی وضع کرده‌اند. در هر نمونه، شرکت‌های مالک پلتفرم تصمیم گرفته‌اند مانع تلاش‌های نظارتی شوند، آن‌ها را مبهم کنند و یا از آن‌ها پیشی بگیرند و آن‌ها را دور بزنند. در صورت عدم تنظیم‌گری این پلتفرم‌ها، اشتراکات دیجیتالی ما ممکن است به فضایی مضر تبدیل شود که دموکراسی را خفه می‌کند، نه این‌که نفسی تازه برای دموکراسی باشد.

آینده جوامع دموکراتیک نیز توسط رقابت با چین در فناوری پیشرفته تعیین خواهد شد. این رقابت عمیق‌تر از تمایل چین برای ایجاد «قهرمانان ملی[1]» است که می‌توانند از گوگل و اپل در جهان پیشی بگیرند. برای پکن، قابلیت‌های فناوری مستقیماً در خدمت منافع، ایدئولوژی‌ها و تمایلات حزب کمونیست چین است. حتی در شرایطی که دیوار آتش بزرگ چین[2] به حزب کمونیست چین اجازه کنترل انحصاری بر ایده‌ها و حقیقت را در میان شهروندان خود می‌دهد، گسترش روزافزون فناوری و گسترش اقتصادی به حزب این امکان را می‌دهد که حوزه عمومی سایر کشورها را منحرف و تضعیف کند.

حزب کمونیست چین از هوش مصنوعی در قالب فناوری‌های تشخیص چهره تا گسترش سیستم نظارت بر شهروندان تا به‌کارگیری همین قابلیت‌ها علیه اقلیت‌های اویغور در سین‌کیانگ و از به‌کارگیری فناوری برای تقویت کنترل شدید مستبدانه در خانه خودداری نخواهد کرد. در خارج از چین، «گرگان مبارز»[3] خود را وارد هر بحث جهانی درباره پیامدها و عواقب می‌کنند و قدرت پولی و اقتصادی چین مانع از آن می‌شود که رسانه‌های غربی یا رسانه‌های اجتماعی علیه چنین مشارکت نگران‌کننده‌ای که شکاف‌ها را در جوامع دیگر تشدید می‌کند، عمل کنند.

با افزایش نفوذ اقتصادی و توانایی‌های تکنولوژیکی چین، این کشور به دنبال نفوذ و دست‌کاری بر افکار عمومی جهانی بوده است. رسانه‌های رسمی، نهادهای دولتی و دیپلمات‌های چین از پلتفرم‌های باز مانند توییتر برای انتشار اطلاعات نادرست در مورد منشأ کووید-19 استفاده کرده‌اند. عملیات نفوذ چین به مداخله در انتخابات در تایوان نیز کشیده شده است و آن‌ها به‌طور فزاینده‌ای خود را در امور کشورهای دیگر نیز وارد می‌کنند. به گفته خانه آزادی، چین از قابلیت‌های فناوری خود، در کنار قدرت اقتصادی و سیاسی خود برای راه‌اندازی یک عملیات نفوذ گسترده استفاده کرده است که دموکراسی‌ها را از درون بازی می‌دهد.

فناوری قرمز به‌وضوح ابزار گسترش جاه‌طلبی‌های جهانی حزب کمونیست چین است. به‌عنوان‌مثال، سازمان‌های استاندارد جهانی و سازمان‌های چندجانبه مملو از پیشنهادهای استاندارد توسط شرکت‌های فناوری چینی هستند که ارزش‌های حزب کمونیست چین را در ساختار بنیادی اینترنت گنجانده است. در سازمان ملل، هوآوی و سایر شرکت‌های دولتی چینی حمایت از یک New IP را برای جایگزینی ساختار TCP/IPاینترنت (پروتکل کنترل انتقال/پروتکل اینترنت) داده‌اند. تحلیلگران صنعت اینترنت ابراز نگرانی کرده‌اند که این ساختار جدید، با کنترل‌های داخلی که امکان مداخله شدید دولتی را فراهم می‌کند، اساساً با مفهوم اینترنت باز امروزی در تضاد است.

درحالی‌که ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا به ظاهر تلاش می‌کنند امکان ایجاد دموکراسی‌های نافذ و استدلالی را فراهم کنند که در آن همه کشورها و سازمان‌های جامعه مدنی بتوانند از تنظیم مقررات فناوری بزرگ یا انتشار استانداردهای مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR) حمایت کنند، چین ساختار سیاسی مشابهی ندارد. در واقع، دیپلماسی چین که درگیری‌ها را با استرالیا، سوئد و فرانسه و سایرین تسریع کرده است، نشان می‌دهد که چین تحمل کمی برای دیدگاه‌های مخالف یا تحمل انتقاد متقابل دارد.
ادامه دارد...

امیرعباس رکنی، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی

تهیه شده در گروه مطالعات اخلاقی فضای مجازی

برگرفته از:

Samir Saran, S. (2022). Big Tech vs. Red Tech: The Diminishing of Democracy in the Digital Age. Retrieved 12 April 2022, from https://www.cigionline.org/articles/big-tech-vs-red-tech-the-diminishing-of-democracy-in-the-digital-age/

national champions [1]
the Great Firewall of China [2]
دیوار آتش بزرگ چین یک پروژه دولت چین برای کنترل اینترنت است. در این پروژه دولت چین از فناوری‌های مختلف کنترل شبکه برای اعمال سیاست‌های خود در اینترنت کشورش استفاده کرده‌است. تحلیل گران معتقدند دیوار بزرگ چین یکی از پیچیده‌ترین سامانه‌های کنترل اینترنت در مقایسه با سامانه‌های مشابه سایر کشور هاست. نام این سامانه از ترکیب دو نام دیوار آتش و دیوار بزرگ چین گرفته شده‌است. دیوار بزرگ چین کار خود را با مسدود کردن دسترسی به صفحات وب شروع کرد و بعد از توسعه‌های فراوان قابلیت مسدود کردن فیلترشکن‌ها، ارتباطات رمز شده و تور (Tor) به آن اضافه شده‌است.
wolf warriors [3]

اخبار مرتبط

- کرونانوشت/ بحران کرونا و افول یوتپیای لیبرال دموکراسی
- رای نوشت/ رسانه‌های اجتماعی در برابر دموکراسی (بخش نخست)
- رای نوشت/ رسانه‌های اجتماعی در برابر دموکراسی (بخش دوم)
- رای نوشت/ رسانه‌های اجتماعی در برابر دموکراسی (بخش سوم)
- فناوری بزرگ در مقابل فناوری قرمز: کاهش دموکراسی در عصر دیجیتال (بخش دوم و پایانی)